ملا فتح الله شاردی

امین، سید حسن

«حاج ملا فتح اللّه شاردی(لاهاردی)ازجمله بزرگان فقهاء ایرانی و مسلمین و مجتهدین دار السلطنه قزوین بود.شرح لمعه را غالبا درس فقه قرار می‏داد.اهالی قزوین عقیدتی خالص با وی می‏ورزیدند و مسجد او در این وقت‏ به شریعت مآب ملا هادی که همشیره زادهء اوست تعلق دارد».

اعتماد السلطنه:المآثر و الاثار،چاپ تهران،1306 هـ.ق،ص 151 در میان جمع کثیری که در زمان فتحعلیشاه قاجار از قفقاز به ایران مهاجرت کرده‏ در شهرها و شهرک‏ها و قصبات و دهات ایران،اسکان یافتند،مردی بود متوسط القامه،خوش‏سیما،با صورتی گشاده و بینی کشیده،متبسم و متدین،«صالح» نام،اهل ایرون که به دستور حکومت وقت در قریه‏ی شارد-یکی از قصبات‏ دشتبی قزوین-ساکن شد و بعدها دارای فرزندی بنام فتح اللّه شد که همان‏ حاج ملا فتح اللّه صاحب ترجمه باشد.وی علوم متداول عصر خود را نخست در مدارس علوم دینی قزوین به پایان رسانید و سپس برای تکمیل معالم و معارف‏ اسلامی به اصفهان رفت.نزد مرحوم کلباسی بزرگ،شاگردی کرد و تقریرات‏ استاد را در علم اصول فقه به رشته‏ی تحریر کشید.پس از تشرف به نجف و کسب‏ اندوخته‏یی گران از علوم دینی به قزوین معاودت کرد.

از تألیفات او یک دورهء کامل مسائل فقه-از طهارت تادیات-به نام‏ «مناهج الطریقه فی احکام الشریعه»،اکنون در کتابخانه‏ی نفیس حضرت آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی که از مراجع تقلید شیعه و مقیم قم‏اند و بعض‏ خواص طلاب علوم و فضلاء به‏جهت خلقیات و ملکات آن حضرت فضلا من العلم‏ با ایشان اعتقادی تام دارند موجود و مضبوط است.

مرحوم حاج سید محسن آل خنضر از علماء عرب معاصر صاحب ترجمه، بر این تألیف،تقریظی نوشته‏ست بدین عبارت:«هذا الکتاب المستطاب، تحریر رائق و تحبیر فائق یوضح عن قریحة و قاده و بصیره و نظر و اصل و اجتهاد کامل و فهم ثاقب و ذکاءلهیب عجیب.مد اللّه صاحبه بزیادة العمر و التأیید و منحه‏ بالتوفیق و التسدید.محسن آل خنضر».

مرگ حاج ملا فتح اللّه در زمان سلطنت ناصر الدین شاه حدود سال 1300 هـ.ق اتفاق افتاد و جنازه‏اش از قزوین به نجف حمل و در وادی الاسلام دفن شد. از آن بزرگوار فرزندی بیادگار ماند به نام مرحوم حاج شیخ عیسی مناهجی‏ (1362-1284 هـ.ق)که در اصفهان از محضر مرحوم جهان‏گیر خان‏ قشقائی و در نجف از محاضر مرحومین سید محمد کاظم یزدی،میرزای شیرازی، آخوند شربیانی کسب فیض کرده سپس در قزوین رحل اقامت افکند و صبیه‏ی‏ مرحوم حاج سید حسین شیر و خورشیدی از علماء قزوین را به حبالهء نکاح در آورد.ثمرهء این ازدواج چند فرزند است مشهورترین ایشان محمد کاظم‏ مناهجی،متخلص به ناهج معروف به منهاج العرفا،سردفتر اسناد رسمی،به‏ مناسبت بعضی حالات خاص و دعوی مقامات عرفانی و تأسیس مکتب ناهجیزم در مجامع و محافل ادبی و عرفانی تهران شناخته است.خط شکسته را پخته و درست می‏نویسد و شعر عرفانی ویژه غزل را نغز می‏سراید.اشعارش در دفترهای‏ متعدد با نامهای پیاله،دیوان،عشق عریان(مصدر به مقدمه‏یی از صاحب این‏ این قلم)هیچنامه چاپ و نشر نشده.متذوقان تهران،صحبت او را غنیمت‏ می‏شمارند.

یکی از کارهائی که همیشه مایل و شایق بودم توسعه و ترویج معارف بود با محظوراتی که در پیش بود در هزار و سیصد و بیست و پنج مدرسه‏ای به اسم مدرسه‏ علیه دائر نمودم که تاکنون دائر و برقرار است و دارای سیصد نفر شاگرد است‏ و دارای نه کلاس است و تا جند سال قوای طبیعی برقرار بود برای پیشرفت‏ کارهای ملی داخل بعضی از کمیسیونها می‏شدم و هروقت داخل هر کمیسیون‏ بودم سمت ریاست داشتم،چنانکه یک موقعی در اصفهان انجمن ولایتی برحسب‏ امر مجلس برپا شد که می‏بایست وکلائی از شهر و اطراف منتخب شوند به عده‏ای‏ که قانون تعیین می‏نمودند سه سال متوالبا در آن انجمن ریاست داشتم و بعد حکومت‏ بختیاری که منصوب شد مانع بقای آن انجمن گردید.

این بود اجمالی از حالات مدرسه دار الفنون و حالات خود حقیر حالا دیگر بواسطه ضعف قوی گوشه انزوا اختیار کرده حتی‏المقدور کمتر رفت و آمد دارم و منتظرم که چه وقت این جان ناقابل را تسلیم کنم و بگذارم،خداوند انشاء اللّه عاقبت را خبرکند.